

تردیدهایی مهم در ازدواج که باید آنها را جدی بگیرید



تردیدهایی در ازدواج تان وجود دارد که بی توجهی به آنها می تواند برای تان خطرناک باشد. اگر می خواهید ازدواج موفق داشته باشید باید این تردیدها را جدی بگیرید.

مگر می شود ازدواج کرد و تردید نداشت؟ تردید در تمام مراحل بزرگترین تصمیم زندگی شما، همراهمان است. از وقتی تصمیم می گیرید این همان «بگیرید تا وقتی که عقد می کنید و با خودتان می گویند: «آیا الان وقتش است؟» ازدواج کنید و با خودتان فکر می کنید «آدمی است که باید با او ازدواج می کردم؟»

همه این تردیدها طبیعی هستند اما چیزی که طبیعی نیست، نادیده گرفتن آنها است. اگر سعی کنید تردیدهایتان را پس بزنید یا آنها را توجیه کنید، بزرگترین ضربه را به خودتان زده اید. شما وقتی وارد زندگی مشترک می شوید، باید همه سوال هایتان را پاسخ داده باشید و با کمترین ابهامی (نمی گویم هیچ ابهامی) وارد زندگی مشترک شوید. هرچند برخی از افرادی که تمایلات و سواسی دارند، پی در پی دچار تردید می شوند. ما اینجا درباره آنها صحبت نمی کنیم. از کسانی می گوئیم که به احساسات درونی خود بی توجهی می کنند و با کله توی یک ماجرای مبهم می پرند. آن هم ماجرای مهمی مثل ازدواج.

وقتی نسبت به یک نفر شک و تردید داریم لازم است با شناخت بیشتر و با زمان بیشتر و پرس وجو بیشتر بر تردیدها غلبه کنیم و گرنه تردیدها مشکلی را حل نمی کند. برخی اوقات ما به تردیدهای خود توجه نمی کنیم چون اعتماد به نفس ما پایین است.

توصیه می کنیم هر گاه نسبت به ازدواج با یک نفر دچار تردید بودید به روانشناس یا مشاور مراجعه کنید. گاهی اوقات این تردیدها با مسائل جدی مرتبط است که مستقیماً بر ازدواج تاثیر گذار است. حتی ممکن است دقیق ندانید نسبت به چه چیزی شک دارید. طبیعی است چون شما تجربه کمی دارید و قبلاً هیچ وقت ازدواج نکرده اید یا در یک رابطه جدی و واقعی مثل همسری نبوده اید. بنابراین دلیل خیلی از تردیدهایتان را نمی فهمید و فقط می دانید یک چیزی درست نیست، قلبتان رضا نمی دهد یا به قدر کافی آرام و مطمئن و خوشحال نیستید. در این جور مواقع یک مشاور خبره می تواند شما را یاری دهد تا سرمنشا این احساسات را پیدا کنید.

در این جا نمونه ای از تردیدها را برایتان می گوئیم که بی توجهی به آنها جدا خطرناک است و می تواند فاتحه زندگی مشترک شما را بخواند.

اولین تردید مهم در ازدواج : دوست داشتن بعداً ایجاد می شود

برخی از افراد به نظر می رسد که تفاهم بسیار زیادی با هم دارند و به دلیل همین تفاهم به آنها پیشنهاد می شود که با هم ازدواج کنند. اما با وجود تفاهم زیادی که با هم دارند، علاقه ای میانشان نیست یا بهتر است بگوئیم برای یکدیگر جذاب نیستند و به هم کشش ندارند. معمولاً به این افراد توصیه می شود که ازدواج کنند تا پس از ازدواج علاقه و محبت بین آنها ایجاد شود. اما واقعیت این است که اگر علاقه و محبتی بین دو نفر به طور خاص وجود نداشته باشد، با ازدواج هم آن علاقه ایجاد نخواهد شد.

اگر کشش جنسی وجود نداشته باشد، اگر تمایل هیجانی برای با هم بودن نداشته باشید و اگر دلتان برای هم نتپد، یک جای کار می لنگد و حتی اگر درست عین در و تخته هم با یکدیگر جور شوید، باز بعد از مدتی همدیگر را دلزده می کنید چون عشق و جذابیت چسب های رابطه زوج ها هستند و در صورت نبودنشان رابطه از هم می پاشد. در بسیاری از ازدواج های بین خویشاوندان یا ازدواج هایی که توسط پدر و مادر ترتیب داده می شود می توانیم این اشتباه را مشاهده کنیم. درست است که تفاهم در ازدواج لازم است. اما کافی نیست. ازدواج زمانی به سامانی موفق خواهد رسید که سه عنصر علاقه، تعهد و تفاهم همزمان با هم وجود داشته باشد.

دومین تردید مهم در ازدواج : او را تغییر می دهیم

به تلاش همسر خود را تغییر دهیم غلط در اکثر فرهنگ ها این است که ما می توانیم با عشق، توجه و یکی از باورهای بسیار رایج و خصوصاً خانم ها مستعد پذیرش این باور غلط در زمان آشنایی و ازدواج هستند. خیلی ها فکر می کنند آدم ها به مرور زمان، مثلاً بعد از ازدواج یا بچه دار شدن تغییر می کنند و به اصطلاح خودشان درست می شوند. اما هیچ کس قابل تغییر نیست. آدم ها حتی وقتی خودشان ضرورت تغییر را هم حس می کنند، باز به سختی تغییر می کنند چه رسد به این که ضرورتی به تغییر نبینند و بخواهند به زور کسی دیگر عوض شوند!

سومین تردید مهم در ازدواج : پس از ازدواج مشکلات کم می شود

بسیاری از ما امیدواریم که با ازدواج همه چیز به خیر و خوشی خواهد گذشت. حتی اگر قبل از ازدواج مسایل و مشکلات وجود داشته باشد و رابطه دو طرف غیر صمیمانه باشد باز فکر می کنیم که با ازدواج همه چیز حل خواهد شد. اما لازم است که به این نکته توجه کنیم که آنچه در خلال آشنایی از فرد می بینیم به احتمال بسیار زیاد بعد از ازدواج نیز تداوم خواهد یافت.

چهارمین تردید مهم در ازدواج : خانواده اش را کجای دلم بگذارم؟

خیلی ها می گویند من می خواهم با خودش زندگی کنم، نه خانواده اش. این اشتباه ترین حرفی است که ممکن است بزنید. اگر دارید به رغم مخالفت خانواده ها با هم ازدواج می کنید یا اگر خانواده هایتان در یک سطح نیستند و این دل چرکین تان می کند، به هشدار قلبتان گوش دهید و برای ازدواج دست نگه دارید. تفاوت فرهنگی خانواده ها یا نارضایتی آنها می تواند زندگی شما را خیلی بیشتر از آنچه فکر می کنید تهدید کند. مطمئن باشید که قوی ترین عشق ها هم زیر فشار خانواده ها سرد می شود چون ما در ایران در یک نظام سنتی ازدواج می کنیم و ازدواج مان پیوند دو خانواده است نه دو فرد.

منبع: [آفتاب](#)